

اصلاح‌طلبان رو به مردم

هیات‌رئیس و روسای کمیته‌های «جبهه اصلاحات ایران» با «رئیس دولت اصلاحات» دیدار کردند

اصلاح‌طلبان رو به مردم

سخنگوی جبهه اصلاحات با تاکید بر تلازم اصلاحاتِ «دولت‌محور» و «جامعه‌محور» از لزوم اثرگذاری بر قدرت از طریق جامعه می‌گوید

هیات‌رئیس جبهه اصلاحات ایران و روسای کمیته‌های این جبهه با رئیس دولت اصلاحات دیدار کرده است. این را سخنگوی جبهه اصلاحات به «اعتماد» گفته و با اشاره به آنچه در این دیدار و در جریان گفت‌وگوهایی که در جلسه اصلاح‌طلبان با سیدمحمد خاتمی مطرح شده، به تشریح اهداف و راهبردهای آینده این جریان سیاسی پرداخته است. آذر منصوری در بخشی از این توضیحات با اشاره به دو راهبرد اصلاحاتی که طی ماه‌ها و سال‌های گذشته همواره از جمله مباحث عمده در این جریان سیاسی بوده، حالا می‌گوید اصلاح‌طلبان به این نتیجه رسیده‌اند که «انتخابات»، تنها عرصه سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبان نیست و اصلاح‌طلبان باید علاوه بر «اصلاحات دولت‌محور و قدرت‌محور» که این سال‌ها به آن نظر داشته‌اند، «اصلاحات جامعه‌محور» را نیز مدنظر داشته و حتی تمرکز بیشتر خود را بر این راهبرد متمرکز کنند. هرچند به گفته سخنگوی جبهه اصلاحات، این دو، در تضاد با یکدیگر نبوده، بلکه در تلازم باهم می‌توانند مسیر پیش روی جریان اصلاحات و اصلاح‌طلبان را تعیین کنند. «انتخابات 1400» شاید از ناگوارترین تجارب انتخاباتی اصلاح‌طلبان باشد و اگر کنشگران و نیروهای منتسب به این گفتمان سیاسی سال‌های بعد به آنچه در جریان این انتخابات گذشت، بازگردند و به هر ترتیب بخواهند سیر رویدادها و تحولات انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم و شورای شهر ششم را مرور کنند، احتمالاً بعضی از تلخ‌ترین تجارب و خاطرات سیاسی‌شان را از نظر می‌گذرانند. تجارب

و خاطراتی که البته دست‌کم بخشی از آنها پیشاپیش، پیرو آنچه در جریان انتخابات اسفندماه 98 به منظور تشکیل مجلس یازدهم رقم خورد، قابل پیش‌بینی بود و به این ترتیب اصلاح‌طلبان در حالی از نیمه نخست 99 خود را برای انتخاباتی که قرار بود واپسین جمعه بهار 1400 برگزار شود، آماده می‌کردند که تجربه ردصلاحیت گسترده کاندیداها و حتی نمایندگان اصلاح‌طلب در انتخابات مجلس یازدهم را پشت سر گذاشته و می‌دانستند اگر شرایطی دشوارتر از آنچه در جریان انتخابات اسفندماه 98 از سر گذرانند، پیشرویشان قرار نگیرد، در بهترین حالت با محدودیت‌های مشابه در انتخابات خردادماه 1400 روبرو خواهند بود؛ حال آنکه اگر در انتخابات اسفندماه 98، رقابت روی کاغذ بر سر 290 کرسی پارلمان بود و با توجه به ردصلاحیت گسترده کاندیداهای نزدیک به این جریان سیاسی، در عمل امکان رقابت برای اصلاح‌طلبان تنها در مورد درصدی اندک از این کرسی‌ها وجود دارد، در انتخابات ریاست‌جمهوری 1400 اساساً رقابت بر سر یک جایگاه است و آنان در حالی با ردصلاحیت هر 9 گزینه موردنظرشان مواجه شدند که از ماه‌ها پیش بسیاری از ناظران معتقد بودند صاحب آن کرسی و جایگاه ریاست‌جمهوری کسی نیست مگر ابراهیم ریسی و تنها در شرایطی می‌توان در این احتمال قریب به یقین تردید کرد که او خود حاضر به ورود به صحنه نشود. هرچند در آن شرایط هم باز از آنجا که اصلاح‌طلبان اساساً کاندیدایی در صحنه نداشتند و پس از ناکامی در اقناع ظریف برای ورود به صحنه رقابت، شاهد ردصلاحیت هر 9 کاندیدای موردنظرشان از جمله اسحاق جهانگیری، معاون اول رییس‌جمهوری مستقر، مسعود پزشکیان نماینده وقت مجلس و نایب‌رییس مجلس پیشین با سابقه وزارت در دولت اصلاحات و البته سیدمصطفی تاجزاده و برخی دیگر از چهره‌های شاخص بودند.

این اما به واقع تنها مشکل آنها نبود. چه آنکه اگرچه اصلاح‌طلبان هیچ کاندیدایی در صحنه رقابت انتخابات ریاست‌جمهوری 1400 نداشتند اما آنها همان‌طور که پیشاپیش می‌دانستند با ردصلاحیت حداکثری روبرو خواهند بود و نیز به این مهم واقف بودند که در صورت ورود ریسی به صحنه، نه گزینه‌های موردنظر آنها و نه حتی دیگر اصولگرایانی که برخلاف اصلاح‌طلبان به هیچ عنوان نگران ردصلاحیت نبودند، شانسی نخواهد داشت، این را هم می‌دانستند که اگر این وضع حاکم نبود و فارغ از ورود یا عدم ورود ریسی، دیگر تحولات مطابق پیش‌بینی قبلی رقم نمی‌خورد و آنان می‌توانستند با بهترین کاندیدایشان وارد گود رقابت انتخابات شوند، باز این احتمال بسیار قوی است که بازنده انتخابات باشند؛ چه آنکه اوضاع و احوال جامعه نسبت به آنچه در جریان انتخابات ریاست‌جمهوری و مجلس قبل در سال‌های 92، 94 و 96

شاهد بودند، متفاوت است و دیگر خبری از آن حماسه‌های انتخاباتی و حمایت‌های مردمی و آرامی میلیونی‌شان در سبد رای اصلاحات نیست. آنان از مدت‌ها پیش از انتخابات خردادماه 1400 و حتی از ماه‌ها پیش از انتخابات اسفندماه 98 میدانستند که جامعه و پایگاه اجتماعی‌شان به شدت آسیب دیده و بی‌تعارف اینجا و آنجا از این یافته منطبق با واقعیت سیاسی بیرونی سخن می‌گفتند.

اصلاح‌طلبان که پس از يك رقابت دشوار انتخاباتی، حماسه 24 خرداد 92 را رقم زده و بعد اوج قدرت پایگاه اجتماعی‌شان را در حماسه 7 اسفند 94 رقم زدند، اگرچه از رقابت انتخاباتی 29 اردیبهشت 96 نیز به عنوان طرف پیروز خارج شده و موفق به تمدید 4 ساله ریاست‌جمهوری کاندیدای موردنظرشان شده بودند اما از همان سال 96 و همین که بهار و تابستان خوش آن سال گذشت و نوبت به فصل سرد سال رسید، همین که پاییز سرآمد و زمستان از راه رسید، هنوز دهه نخستِ نخستین ماه زمستان را پشت سر نگذاشته، دریافتند که ادامه مسیر را باید به نحوی دیگر و بدون آن حمایت پرشور و مقتدرِ مردمی طی کنند. روندی که در ادامه با توجه به تشدید نارضایتی‌ها از نیمه دوم سال 98 و اوج‌گیری اعتراضات از آبان‌ماه 98 تا دی‌ماه آن سال، درحالی‌گام در رقابت انتخابات مجلس یازدهم در اسفندماه 98 می‌گذاشتند که نیروهای سیاسی که باید در قامت کاندیداهای این جریان سیاسی وارد گود می‌شدند، لشکری زخم‌خورده از نظارت استصوابی بود که امکان بستن لیست انتخاباتی را از اصلاح‌طلبان سلب می‌کرد و پایگاه اجتماعی و شهروندانی که قرار بود در صورت ورود به انتخابات به لیست اصلاح‌طلبان رای بدهند، ناامیدتر از آن بود که اساساً بخواهد پای صندوق رای حاضر شود. این شد که آنان تصمیمی دیگر گرفتند و گفتند حال که کاندیدای درخوری برای بستن لیست انتخاباتی نداریم، پس لیست انتخاباتی در کار نخواهد بود و مردم و رای‌دهندگان هم آنچه صلاح میدانند، می‌کنند. سیاستی که با توجه به تمدید این اوضاع تا انتخابات ریاست‌جمهوری سیزدهم در خردادماه 1400، باز تجویز شد و اصلاح‌طلبان که کاندیدایی در صحنه نداشتند، گفتند که برای‌شان تفاوتی میان 7 گزینه موردنظر شورای نگهبان نیست. این اما صرفاً بخشی از سیاست انتخاباتی «جبهه اصلاحات ایران» در این دو انتخابات بود. سیاست و راهبردی که در هر دو انتخابات از جانب این نهاد بالادستی در جریان اصلاحات تصویب و اعلام شد، در عین حال بخش دومی داشت که به باور بسیاری از ناظران یکسر در تعارض با بخش نخست و درون‌مایه این راهبرد انتخاباتی بود و آن، اینکه احزاب عضو این جبهه سیاسی نیز همچون شهروندان و پایگاه اجتماعی جبهه اصلاحات مختارند هر آنچه می‌خواهند به انجام برسانند؛

حتي اگر اين سياست و راهبرد انتخاباتي احزاب، يکسر در تعارض با راهبرد جبهه اصلاحات بود. راهبردي دوگانه که در ادامه بار ديگر بحث از دوگانه ديگري را در فضاي سياسي - رسانه‌اي داغ کرد و آن، اينکه اصلاح‌طلبان بايد از دو نوع اصلاحات «دولت‌محور» و «جامعه‌محور»، يکي را برگزيده و در آن مسير گام بردارند. منتقدان مي‌گفتند اصلاح‌طلبان همواره تمامي اهداف و برنامه‌هاي اصلاح‌طلبانه‌شان را به «انتخابات» گره زده و پيشبرد هر راهبرد اصلاحات را به حضور در قدرت از مسير انتخابات موكول مي‌کنند. حال آنکه مي‌توانند اصلاحات را از طريق تقويت رابطه با جامعه و اثرگذاري بر قدرت از اين مسير دنبال کنند. به‌خصوص آنکه حالا نه تنها حاکميت، چندان تمايلي به حضور اصلاح‌طلبان در قدرت ندارد، بلکه مردم هم ديگر همچون گذشته حاضر به حمايت تام و تمام انتخاباتي از آنان نيست و اساساً همين دلخوري عمومي از اين جريان سياسي کافي است که اصلاح‌طلبان با تجديد نظر در سياست‌گذاري و راهبردهاي فعاليت سياسي- مدني جريان اصلاحات، از «اصلاحات دولت‌محور» دور شده و به سوي «اصلاحات جامعه‌محور» گام بردارند. پيشنهادي که البته همان‌طور که طرفداراني چشمگير درون و بيرون جريان اصلاحات داشت، مخالفاني هم داشت و درنتيجه طی ماه‌هاي گذشته شاهد آن بحث و گفت‌وگوي درون‌گفتماني گسترده ميان اصلاح‌طلبان و درباره اصلاح‌طلبان بوديم. بحثي که البته تا به امروز به نتيجه‌اي مشخص نرسيده اما طی حدود يك ماه اخير، پيرو تحولاتي که راس چند حزب شاخص جريان اصلاحات رقم خورد و جابه‌جايي نيروها در نظام مديریتی اين احزاب باعث شد که برخي ناظران از اين بگويند که ظاهراً اصلاح‌طلبان درون خود به تفاهمي در اين راستا رسيده و اگرچه صراحتاً سخني له يا عليه هيچ‌کدام از دو راهبرد اصلاحات «جامعه‌محور» و «دولت‌محور» به عنوان راهبرد عملياتي آينده جريان اصلاحات نگفته‌اند اما همين تحولات از جمله تغيير دبیر کل احزاب اتحاد ملت و به‌خصوص کارگزاران سازندگي، نشانه‌ايست از اينکه آنان به تصميم رسيده و تصميم‌شان هم همان حرکت از «اصلاحات دولت‌محور» به سوي «اصلاحات جامعه‌محور» است. آنچه اما حالا از مجموعه صحبت‌هاي سخنگوي جبهه اصلاحات درباره آنچه در نشست اخير هيات‌رييسه اين جبهه با رييس دولت اصلاحات دستگيرمان ميشود اين است که اصلاح‌طلبان اگرچه ظاهراً به نتايجي در اين بحث رسيده‌اند اما اين نتيجه و خروجي، لزوماً انتخاب يکي از اين دو نوع راهبرد اصلاحاتي نيست و آنان - همان‌طور که در سخنان اخير سيدمحمد خاتمي از جمله پيامي که براي کنگره اخير حزب اتحاد ملت صادر کرد، مي‌بينيم - راه ميانه را برگزيده و بر اين باورند که ضمن حرکت به سوي «اصلاحات جامعه‌محور» و اولويت دادن به نگاه جامعه به اين

جریان سیاسی به منظور بازسازی و ترمیم پایگاه اجتماعی آسیب دیده جریان اصلاحات، همچنان می‌توانند نیم‌نگاهی به «اصلاحات دولت‌محور» داشته باشند تا اگر شرایط برای حضورشان در قدرت فراهم بود، از این ظرفیت نیز استفاده کنند اما اگر چنین نبود - که در حال حاضر چنین نیست - پروژه اصلاحات را متوقف ن ساخته و مسیرشان را دنبال کنند.

آذر منصوری، سخنگوی جبهه اصلاحات در گفت‌وگو با «اعتماد» تاکید کرد

اصلاحات جامعه و دولت محور

خانم منصوری! ابتدا درباره جلسه اخیر «جبهه اصلاحات ایران» با آقای خاتمی توضیح بدهید؛ انگیزه برگزاری این نشست چه بود و در جلسه چه مسائلی مطرح شد؟

این جلسه به درخواست هیات ریسه جبهه اصلاحات انجام شد. در واقع هیات ریسه از مدت‌ها قبل پیگیر این بود که بتوانیم همراه با تمامی اعضای مجمع عمومی جبهه اصلاحات در نشستی با آقای خاتمی، درباره اقدامات انجام شده و برنامه‌های آینده جبهه اصلاحات گفت‌وگو کنیم اما به دلیل شرایط خاص و لزوم رعایت شیوه‌نامه‌های بهداشتی این دیدار به صورت محدود برگزار شد و هیات ریسه جبهه اصلاحات به همراه روسای کمیته‌ها به نمایندگی از مجمع عمومی و اعضای کمیته‌ها در این جلسه حاضر شدند و گزارشی از فعالیت هر یک از کمیته‌ها ارائه شد. همچنین آقای خاتمی، خانم راکعی و بنده نکاتی را در ارتباط با وضعیت امروز اصلاح‌طلبان و سیاست‌ورزی اصلاح‌طلبانه با تاکید بر راه‌های برون‌رفت از شرایط موجود مطرح کرده و درباره مسائل و اولویت‌ها، به نحوی که زمینه احیای پایگاه اجتماعی جریان اصلاحات فراهم شود، صحبت کردیم. آقای خاتمی هم در پایان ضمن ترسیم فضای امروز حاکم بر جامعه و شرایطی که در حاکمیت وجود دارد و مهم‌تر از همه مشکلاتی که مردم با آن مواجه هستند، به بیان نکاتی درباره عملکرد و وضعیت اصلاح‌طلبان پرداخته و درباره اینکه در ادامه مسیر چه باید کرد، صحبت کردند.

محور گزارش‌هایی که از جانب روسای کمیته‌های جبهه اصلاحات ارائه شد، چه بود؟

ابتدا گزارشی درباره فرآیندها شکل‌گیری جبهه اصلاحات ایران ارائه شد

که ضمن توصیف و توضیح فضای حاکم بر فعالیت اصلاح‌طلبان پیش از تشکیل جبهه، روند اتفاقاتی را که منجر به تشکیل این جبهه شد، توضیح می‌داد. در این گزارش همچنین به نکاتی درباره مسائل مختلف، از چگونگی و ویژگی‌های ساختار جدید تا تدوین آیین‌نامه‌ها و نهایتاً سازوکاری که نوع تصمیم‌گیری در جبهه اصلاحات بر آن پایه انجام می‌گیرد، نکاتی مطرح شد و نیز اینکه در مسیر برگزاری انتخابات، در هر مقطع به اقتضای اتفاقاتی که می‌افتد، چرا و چگونه تصمیم‌گیری کردیم که بتوانیم پیش و پس از انتخابات، انسجام درونی جبهه اصلاحات را حفظ کنیم.

خودتان در این جلسه به چه مسائلی اشاره کردید؟

من هم نکاتی را در 2 بخش مطرح کردم. اول درباره راه و روش آسیب‌شناسی درخصوص آنچه گذشت و در بخش دیگر هم درخصوص اینکه در ادامه مسیر، چه باید کرد و چه اولویت‌هایی را باید مدنظر قرار دهیم. واقعیت آن است که پس از روندی که از انتخابات 92 تا 96 طی شد، اتفاقاتی از آن به بعد، به‌خصوص در جریان انتخابات 98 و 1400 در کشور افتاد که به‌واقع انتخابات به عنوان فرصتی برای رقابت سیاسی از معنا تهی شد و از آن به بعد، به باور من، ما با فقر سیاست و سیاست‌ورزی روبرو هستیم. بنابراین باید تصمیم بگیریم که آیا باید همچنان با تلاش برای ورود به قدرت و با حضور در قدرت، نسبت به اصلاح شیوه‌های حکمرانی اقدام کنیم یا با فعالیت در بطن جامعه و با تاثیرگذاری بر قدرت، بتوانیم اهداف اصلاحات را دنبال کنیم. نکته آن است که با اتخاذ رویکرد اخیر یعنی تاثیرگذاری بر قدرت، قدرت اصل و هدف نخواهد بود، بلکه وسیله و ابزاری است که یک جریان سیاسی بتواند بر نوع و شیوه حکمرانی، سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها اثرگذار باشد.

بحث از «اصلاحات دولت‌محور» در تقابل با «اصلاحات جامعه‌محور» طی مدت اخیر همواره از مباحث مهم در جریان اصلاحات بوده است. به‌خصوص با توجه به تجارب انتخاباتی اخیر، لزوم حرکت به سوی اصلاحات جامعه‌محور از سوی برخی اصلاح‌طلبان به عنوان راه‌حلی جهت ترمیم پایگاه اجتماعی جریان اصلاحات مطرح شده که شما هم ظاهراً در جلسه اخیر به این مساله اشاره داشتید؛ نظر آقای خاتمی در این رابطه چیست؟ آیا صحبتی شد؟

آقای خاتمی همچون همیشه بر حفظ انسجام اصلاح‌طلبان، تقویت احزاب و تاکید بر حرکت جبهه‌ای برای حفظ این انسجام و اثرگذاری بیشتر تاکید داشتند. در این موضوع خاص هم رویکرد آقای خاتمی به نحوی مشابه آن دیدگاهی بود که ایشان در پیام هفته گذشته خطاب به کنگره حزب اتحاد ملت نیز مطرح کردند؛ اینکه به هر حال انتخابات، تنها

عرصه سياست‌ورزي اصلاح‌طلبان نيست و اصلاح‌طلبان بايد تلاش كنند تمرکز بيشترى بر اصلاحات جامعه‌محور داشته باشند. اين دو راهبرد اصلاحات جامعه‌محور و دولت‌محور در تضاد با يكديگر نبوده و در تلازم با هم هستند اما با توجه به شرايط امروز و آنچه در گذشته اتفاق افتاده، اصلاح‌طلبان بايد بر اصلاحات جامعه‌محور تمرکزى دوچندان داشته باشند.

و در نهايت برنامه آينده جبهه اصلاحات ايران؟

فعاليت جبهه اصلاحات محدود به زماني خاص نيست. مجمع عمومي به عنوان ركن اصلي جبهه اصلاحات فعاليتهايش را در دور نخست 6 ماهه تعيين كرد كه ابتدائي شهر يور امسال، اين فعاليت را براي 6 ماه دوم نيز تمديد کرده است. در حال حاضر مجمع عمومي جبهه اصلاحات راهبردهايي را براي فعاليتهاي 6 ماهه دوم تدوين و به تصويب رسانده كه كميتهاهاي جبهه اصلاحات بايد برنامه‌هايي را دنبال كنند. پس از اين بازه زماني 6 ماهه، بار ديگر در مجمع عمومي تصميم‌گيري خواهيم كرد.

شماره: ۱۴۰۰ ۱۸